

## مشکلات رفتاری کودکان ۲ تا ۶ سال: نقش سبک‌های والدگری و استرس والدینی *Behavioral Problems in Children Aged 2-6 Years Old: The Roles of Parenting Style and Parental Stress*

**Bentolhoda Afshari Nejad Roudsari**

Graduate in Level Three of Islamic Teaching and Training. Jam at Al-Zahra. (RA). Qom, Iran

**Hossein Rezaian (Corresponding author)**

Imam Khomeini Educational Research Institute, Department of Psychology, Qom, Iran  
Email: h.rezaeiyan60@gmail.com

**Seyed Abbas Satourian**

Ph.D Student of Psychology. Qom's Imam Khomeini Education and Research Institute. Qom, Iran

### Abstract

**Aim:** This study was performed with the aim of investigating the roles of 'parenting style' and 'parenting stress' in predicting 'behavior problems' in children aged 2-6 years old. **Method:** It was a descriptive correlational study: 355 children (206 boys, 149 girls) were selected through a cluster random sampling. The population of the study was children enrolled in day nurseries in Qom city (Iran). The Children's mothers were asked to complete Achenbach's *Child Behavior Checklist* (CBCL), Baumrind's *Parental Styles Scale* (PSS), and Abidin's *Parenting Stress Index-Short Form* (PSI-SF). **Results:** Analyzing the data using correlation coefficients and stepwise regression analyses indicated that the 'authoritarian' parenting style and the components of mothers' parenting stress are positively and significantly related to the children's externalizing behavior problems. In addition, positive relationships of the children's internalizing behavior problems to 'permissive' parenting style, 'authoritarian' parenting style, and the components of mothers' parenting stress, were shown to be statistically significant. Also, there was a significant negative relationship between 'authoritative' parenting style and internalizing behavior problems. Results of stepwise multiple regression analyses indicated that characteristics of 'difficult child' (a domain of PSI-SF) and 'authoritarian' parenting style, together, are good predictors of the children's externalizing behavior problems. Furthermore, characteristics of 'difficult child' and 'parental distress' (two domains of PSI-SF) together with 'authoritarian' parenting style, are among the best predictors of the children's internalizing behavior problems. **Conclusion:** These findings reveal the importance of the roles of parenting styles and parenting stress domains in the development of the children's behavior problems. So, it seems necessary to consider these variables in designing and developing education and prevention programs in order to reduce behavioral problems in children.

**Keywords:** Parenting styles, child rearing, parenting stress,

بنت الهدی افشاری نژاد رودسری

دانش‌آموخته سطح سه تعلیم و تربیت اسلامی، جامعه‌الزهره (س) قم، ایران  
حسین رضائیان (نویسنده مسئول)

موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، گروه روان‌شناسی، قم، ایران

Email: h.rezaeiyan60@gmail.com

سید عباس ساطوریان

دانشجوی دکتری روان‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم، ایران

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سبک‌های والدگری و استرس والدینی در پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان ۲ تا ۶ سال انجام شد. روش: طرح پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. بدین منظور ۳۵۵ نفر (۱۴۹ دختر و ۲۰۶ پسر) از کودکان مهدکودک‌های شهر قم به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و مادران آنها به پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان آخنباخ (CBCL)، پرسشنامه سبک‌های والدگری بامریند (PSS) و پرسشنامه استرس والدینی آبی‌دین (PSI-SF) پاسخ دادند. در تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. یافته‌ها: نتایج نشان داد بین سبک والدگری مستبدانه و مؤلفه‌های استرس والدگری مادر با مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده کودک ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین ارتباط مثبت و معنادار سبک والدگری سهل‌گیرانه، والدگری مستبدانه و مؤلفه‌های استرس والدگری مادر با مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده کودک تأیید شد. رابطه سبک والدگری مقتدرانه با مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده منفی و معنادار بود. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام نشان داد که مؤلفه ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین از ابعاد استرس والدینی و سبک والدگری مستبدانه به خوبی مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده کودکان را پیش‌بینی می‌کند. همچنین مؤلفه‌های ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین و آشفتگی والدینی از ابعاد استرس والدینی به علاوه سبک والدگری مستبدانه نیز از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده کودکان بودند. این یافته‌ها نقش مهم سبک‌های والدگری و استرس والدینی را در شکل‌گیری مشکلات رفتاری کودکان نشان می‌دهد. نتیجه‌گیری: بنابراین تدوین و طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و آموزشی با در نظر گرفتن این متغیرها جهت کاهش مشکلات رفتاری کودکان ضروری به نظر می‌رسد.

**کلمات کلیدی:** سبک‌های والدگری، استرس والدینی، مشکلات رفتاری کودکان.

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۰

## مقدمه

در سال‌های اخیر مشکلات رفتاری کودکان به عنوان یکی از موضوعات عمده روان‌پزشکی و روانشناسی مطرح بوده است (ایوانز<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). بر اساس مطالعات معتبر ۱۰ الی ۲۰ درصد از کودکان به خدمات بهداشت روانی احتیاج دارند و شواهد همه‌گیرشناسی اخیر نشان می‌دهد که ۱۵ الی ۲۲ درصد از کودکان، مشکلات عاطفی یا رفتاری را به شدتی تجربه می‌کنند که مستلزم درمان می‌باشد (نیکخو، ۱۹۹۶). طبقه‌بندی مشکلات دوران کودکی در قالب مشکلات درونی‌سازی<sup>۲</sup> و برونی‌سازی<sup>۳</sup> شده، از گسترده‌ترین و پرکاربردترین پژوهش‌ها در زمینه طبقه‌بندی اختلال‌های دوران کودکی است که از رویکرد ابعادی پیروی می‌کند.

مشکلات درونی‌سازی شده، از نظر ماهیت، درون‌فردی هستند و به شکل کناره‌گیری از تعامل‌های اجتماعی، بازدارندگی، اضطراب و افسردگی ظاهر می‌شوند (آخنباخ<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۱)، این مشکلات بیش از آنکه اطرافیان را آزار دهند، موجب رنجش خود کودک می‌شود (کواکز<sup>۵</sup> و همکاران، ۱۹۹۸)، هسته اصلی آنها اختلال خلق یا هیجان است (مک کلینتوک<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵) و بازگشت مجدد آنها، آثار دراز مدتی بر سطوح هیجانی کودکان بر جای می‌گذارد (کلمن<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). مشکلات برونی‌سازی شده، الگوهای رفتاری سازش‌نیافته‌ای هستند که در تعارض با دیگر افراد و انتظارهایشان قرار می‌گیرند (آخنباخ و همکاران، ۲۰۰۱). نشانه‌های این دسته از مشکلات، در رفتار بیرونی کودکان ظاهر شده و نمایان‌گر عمل منفی کودک بر محیط بیرونی هستند (لایو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴) و موجب ایجاد مشکلاتی برای دیگران می‌شوند (دادستان و همکاران، ۲۰۰۹).

پژوهش‌های مرتبط با عوامل سبب‌ساز مشکلات رفتاری در کودکان، عمدتاً بر عوامل خانوادگی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های مهم و موثر تمرکز کرده‌اند (فریک<sup>۹</sup>، ۱۹۹۴). برخی از متخصصان معتقدند اکثر مشکلات رفتاری کودکان، منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده بویژه والدین می‌باشد (طهماسیان، ۱۹۹۶). در این رابطه پژوهش‌ها نشان داده‌اند که یکی از مهم‌ترین عوامل خانوادگی در تحول مشکلات رفتاری کودکان، سبک والدگری است (همتی و همکاران، ۲۰۱۴).

به اعتقاد دارلینگ<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۰) والدگری فعالیتی پیچیده، شامل بسیاری از رفتارهای اختصاصی است که هر یک از والدین به طور جداگانه و یا با جلب مشارکت یکدیگر از این مهارت‌ها استفاده می‌کنند تا رفتار کودک خود را تحت تأثیر قرار

<sup>1</sup> - Evans.

<sup>2</sup> - internalized problems.

<sup>3</sup> - Extraction.

<sup>4</sup> - Achenbach.

<sup>5</sup> - Kovacs.

<sup>6</sup> - Mc Clintock.

<sup>7</sup> - Colman.

<sup>8</sup> - Liu.

<sup>9</sup> - Frick.

<sup>10</sup> - Darling.

دهند. بامریند<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) نیز سبک والدگری را به عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می‌کند و با توجه به دو مؤلفه‌ی رفتاری صمیمیت و کنترل‌گری، آن را به انواع سه‌گانه مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه تقسیم می‌کند:

سبک والدگری مستبدانه، با کنترل سخت، سطح محدودیت بالا، انضباط ناپایدار و خشن، میزان پایین حمایت عاطفی و گرمی مشخص می‌شود. والدین با این سبک والدگری فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند و انتظار دارند که فرزندان خواسته‌ها و تقاضاهای آن‌ها را بی‌چون و چرا برآورده کنند (گیمبل<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). کودکان این والدین به مشارکت و همکاری تمایلی ندارند و از عزت نفس پایین، افسردگی و مشکلات در تصمیم‌گیری در سنین بزرگسالی رنج می‌برند (دوایری و همکاران، ۲۰۰۶). این کودکان مطیع و پیرو، دارای پیشرفت تحصیلی و ادراک خود پایین و سطوح بالای اختلال‌های روانی و جسمانی هستند (سامروف<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴).

سبک والدگری سهل‌گیرانه با فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود. والدین سهل‌گیر سعی دارند برای کودکان خود محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند، با این حال بر اعمال فرزندان خود کنترل و نظارت ندارند (هاپاسالو<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۴). والدینی که از سبک والدگری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند از اعمال قواعد ناپایدار یا فاقد ساختار استفاده می‌کنند. هر چند ممکن است این والدین با عاطفه باشند ولی، شکست آن‌ها در نظم‌دهی به رفتار کودکانشان می‌تواند به عزت نفس پایین منجر شود زیرا کودکان نیز در یادگیری شکل‌های مناسب خود نظم‌دهی با شکست مواجه می‌شوند (دهارت<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۶).

سبک والدگری مقتدرانه با ترکیبی از کنترل و حمایت عاطفی بالا، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می‌شود. والدین با این سبک تربیتی به صورت افرادی گرم و صمیمی توصیف شده‌اند. آن‌ها در عین حال که بر رفتارهای کودکانشان کنترل دارند، برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود انتظار دارند نیز از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می‌کنند و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب فرزندان خود تعریف می‌کنند. این سبک والدگری با پیامدهای مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالا، اتکا به خود بالاتر و روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد (ریتمن<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). سبک والدگری مقتدرانه با رفتارهای ضداجتماعی رابطه‌ی منفی دارد، کودکان این والدین از لحاظ پیامدهای اجتماعی - هیجانی و تحصیلی در وضعیت مطلوبی قرار دارند، از عزت نفس بالایی برخوردارند، گرایش به خوداتکایی، خودکنترلی و کنجکاوای در آن‌ها زیاد است (بوگنتال<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۶) و مشکلات روان‌شناختی و رفتاری کمتری را نسبت به دو سبک دیگر نشان می‌دهند (دوایری و همکاران، ۲۰۰۶).

<sup>۱</sup> - Baumrind.

<sup>۲</sup> - Gimpel.

<sup>۳</sup> - Sameroff.

<sup>۴</sup> - Haapasalo.

<sup>۵</sup> - DeHart.

<sup>۶</sup> - Reitman.

<sup>۷</sup> - Bugental.

تحقیقات پیرامون آسیب‌های روانی کودکان نشان می‌دهد که بسیاری از خانواده‌ها از شیوه‌های تربیتی نامطلوب که منشأ ترس، عدم اعتماد، احساس نارضایتی، بدبینی و اضطراب در فرزندان است، استفاده می‌کنند (علیزاده و همکاران، ۲۰۰۲). والدینی که در ارتباطات خود متزلزل، فاقد اطمینان خاطر و بی‌ثباتند، در نحوه‌ی تربیت فرزندان با یکدیگر توافق ندارند، از الگوهای والدگری مبتنی بر طرد، حمایت افراطی با اغماض یا تسلط، انضباط متناقض، سستی موازین اخلاقی، کمال‌جویی‌های غیرمنطقی و عصبانیت و بی‌ثباتی عاطفی استفاده می‌کنند، رفتارهای نوروپیک را در کودکان تثبیت کرده و سبب می‌شوند که کودکان از نظر هیجانی و عاطفی نیازمندتر و از حس اعتماد و امنیت که اساس تحول هیجانی سالم محسوب می‌شود، ناکام بمانند (مک کارتی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۴).

از جمله مسائل دیگری که امروزه در رابطه با مشکلات رفتاری کودکان مورد توجه قرار گرفته، استرس ناشی از والد شدن است. پژوهش‌های مختلف به طور کلی نشان داده‌اند که استرس، کنش‌وری فرد را در قلمروهای اجتماعی، روانشناختی، جسمانی و خانوادگی دچار اختلال می‌نماید (دادستان، ۱۹۹۸).

استرس والدگری در نتیجه ناهمخوانی ادراک شده بین تقاضاهای والدینی و منابع فردی حاصل می‌شود و می‌تواند در چندین حیطه زندگی که مربوط به والدگری است، تجربه شود (اسکس<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). آبیدين (۱۹۹۲) استرس والدگری را حاصل اثر تعاملی کنش‌وری خصوصیات اصلی و آشکار والدین (مانند افسردگی، احساس صلاحیت<sup>۳</sup>، سلامت، روابط توأم با دلبستگی کودک، روابط با همسر، محدودیت ناشی از نقش‌پذیری<sup>۴</sup> یا مادری کردن) با خصوصیات کودک (مانند سازش‌پذیری<sup>۵</sup>، پذیرندگی<sup>۶</sup>، فزون‌طلبی<sup>۷</sup>، خلق<sup>۸</sup>، فزون‌کنشی<sup>۹</sup> و تقویت‌گری<sup>۱۰</sup>) می‌داند. او همچنین معتقد است که ویژگی‌های والد و کودک، همراه با متغیرهای بیرونی و عوامل تنیدگی‌زای زندگی (مانند طلاق، مشکلات شغلی و...) دلیل افزایش احتمالی نارسایی کنش‌وری و استرس والدگری است. استرس والدگری می‌تواند منجر به کاهش سلامت روانی و بهزیستی والدین شود (هستینگ<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۵) و اثرات بلند مدتی بر سلامت کودکان داشته باشد (سه‌پا<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). افزایش استرس مادر بر رشد هیجانی و رفتاری کودکان نقش مهمی دارد (آبیدين<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۱۹۹۵) و می‌تواند احتمال ایرادگیری، تنبیه و تحریک‌پذیرتر شدن والدین را افزایش دهد و سپس زمینه بروز مشکلات سلوک (وېستر، ۱۹۹۰)، اختلال نافرمانی مقابله‌ای (کازدین<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۰)، رفتارهای ضداجتماعی (کازدین و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۳) و اختلال کمبود توجه در کودکان را فراهم آورد (فدایی و همکاران، ۲۰۱۰).

1 - McCarty.

2 - Essex.

3 - Sense of competence.

4 - Restriction of role.

5 - Adaptability.

6 - Acceptability.

7 - Demandingness.

8 - Mood.

9 - Hyperactivity/Distractibility.

10 - Child reinforces the parent.

11 - Hasting.

12 - Sepa.

13 - Brunner.

14 - Kazdin.

15 - Kazdin.

حال با توجه به این‌که در زمینه آسیب‌شناسی روانی و مشکلات رفتاری کودکان کمتر از ۶ سال، پژوهش‌های اندکی در کشور انجام گرفته و بیشتر تحقیقات، به رابطه صرف مشکلات رفتاری با مجموعه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای، محدود شده و مطالعه بومی که نقش سبک‌های والدگری و استرس والدینی در پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان را مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشد، لذا هدف اصلی از پژوهش حاضر، تعیین میزان و شیوع مشکلات رفتاری کودکان ۲ تا ۶ سال مهدکودک‌های شهر قم و بررسی میزان سهم هر یک سبک‌های والدگری و استرس والدینی در پیش‌بینی مشکلات رفتاری این کودکان می‌باشد.

### روش

پژوهش حاضر جزء تحقیقات مقطعی - توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش کلیه کودکان ۲ تا ۶ سال در مهدکودک‌های شهر قم و مادران آنها در سال ۱۳۹۶ بودند. به جهت اجرای پژوهش ابتدا برخی از مهدکودک‌های شهر قم به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند، سپس از میان مادران مراجعه‌کننده، تعداد مورد نظر به صورت داوطلبانه انتخاب و افراد شرکت‌کننده با رعایت اصول علمی و ارائه توضیحات لازم، به تکمیل دفترچه حاوی سه پرسشنامه به صورت همزمان اقدام نمودند. برای تجزیه و تحلیل و محاسبات آماری لازم، از نسخه بیست و سوم نرم‌افزار SPSS استفاده شد. در سطح توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح استنباطی از ضریب همبستگی و آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شد، تا اثرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بررسی شود. به منظور بررسی توان پیش‌بینی متغیرها با کاربست رگرسیون، استرس والدینی (آشفتگی والدینی<sup>۱</sup>، تعامل ناکارآمد والد - کودک<sup>۲</sup> و ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین<sup>۳</sup>) و سبک‌های والدگری (سهل‌گیرانه<sup>۴</sup>، مستبدانه<sup>۵</sup> و مقتدرانه<sup>۶</sup>) به عنوان متغیر پیش‌بین و مشکلات رفتاری کودکان (برونی‌سازی شده<sup>۷</sup> و درونی‌سازی شده<sup>۸</sup>) به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد.

### ابزار

برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

الف) پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان ۱/۵ تا ۷ سال فرم والد (CBCL)

برای اندازه‌گیری مشکلات رفتاری کودکان، از نظام سنجش مبتنی بر تجربه توماس آخنباخ<sup>۹</sup> (۱۹۹۱) که مجموعه‌ای از فرم‌های مختلف برای سنجش شایستگی‌ها و کارکردهای انطباقی کودکان و نوجوانان است، استفاده شد. فرم مربوط به کودکان ۱/۵ تا ۷ در طول ۶ ماه گذشته در سال ۲۰۰۰ مورد تجدید نظر قرار گرفت و توسط محمد اسماعیل (۲۰۰۸)

<sup>۱</sup> - Parental stress.

<sup>۲</sup> - Parent-child dysfunctional interaction.

<sup>۳</sup> - Difficult child.

<sup>۴</sup> - Permissive.

<sup>۵</sup> - Authoritarian.

<sup>۶</sup> - Authoritative.

<sup>۷</sup> - internalized.

<sup>۸</sup> - Externalized.

<sup>۹</sup> - Achenbach.

هنجاریابی شده است. سیاهه رفتاری کودک دارای ۹۹ سؤال و ۸ مقیاس سندرمدی در دو دسته کلی مشکلات برون-سازی شده و مشکلات درون‌سازی شده است. دو بار اجرای مقیاس روی ۵۰ آزمودنی با فاصله‌ی زمانی یک هفته، همبستگی‌های معنی‌داری برای پایایی بازآزمایی در سطح ۰/۰۵ نشان داده است. متوسط همبستگی در مورد شایستگی کلی ۰/۸۰ و مشکلات رفتاری کلی ۰/۷۹ بود. در باز آزمایی که توسط آخنباخ و همکاران با فاصله دو هفته روی یک گروه نمونه‌ی ۸۹ نفری انجام گرفت ضرایب بازآزمایی به صورت همبستگی برای مشکلات رفتاری ۰/۸۷ گزارش شده است (آخنباخ ۲۰۰۳).

ب) پرسشنامه سبک‌های والدگری بامریند<sup>۱</sup> (BPSQ)

پرسشنامه‌ی سبک‌های والدگری در ۳۰ گویه توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و توسط حسین پور (۲۰۰۲) ترجمه شده است و سبک‌های والدگری والدین را در سه سبک اندازه‌گیری می‌کند. در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از صفر تا ۴ نمره‌گذاری شده است که با جمع نمره‌های سؤال‌های مربوط به هر سبک و تقسیم آن بر تعداد سؤالات، نمره‌ی مجزا به دست می‌آید. بورای (۱۹۹۱) جهت بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه از روش افتراقی استفاده و گزارش کرد که شیوه‌ی استبدادی، رابطه‌ی منفی با سهلگیری ( $r = ۰/۳۸$ ) و اقتدار منطقی ( $r = ۰/۴۸$ ) دارد. شیوه سهل‌گیری، رابطه‌ی معنی‌داری با شیوه‌ی اقتدار منطقی نداشت ( $r = ۰/۷$ ). بورای اعتبار و پایایی این پرسشنامه را تأیید کرده است (کارازه و همکاران، ۲۰۱۵). در ایران نیز اسفندیاری (۱۹۹۵) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۹، سبک مستبدانه ۰/۷۷ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش نموده است. در پژوهش امیری‌نژاد و همکاران (۲۰۱۱) نیز آلفای کرونباخ محاسبه شده برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۳، سبک مستبدانه ۰/۷۶ و سبک مقتدرانه ۰/۸۲ بدست آمد.

ج) پرسشنامه استرس والدگری آیدین (PSI-SF)

شاخص استرس والدگری یک نسخه کوتاه ۳۶ سؤالی از شاخص اصلی استرس فرزندپروری است که توسط آیدین<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) تهیه شده است. این پرسشنامه دارای سه زیرمقیاس آشفستگی والدین، ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین و تعاملات ناکارآمد والد-کودک است. زیرمقیاس آشفستگی والدین، احساس تنش والدین در خصوص والدگری را برحسب استرس‌های شخصی دیگر اندازه می‌گیرد. زیرمقیاس ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین نشانگر رفتارهای کودکان است که باعث آسان‌تر یا مشکل‌تر شدن والدگری می‌گردد. در نهایت، زیرمقیاس تعاملات ناکارآمد والد-کودک به انتظارات والدین از کودک می‌پردازد که رفتار کودک تا چه حد رفتار والدگری را تقویت می‌کند (بیهواناگری<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹). گزینه پاسخ‌ها در مقیاس لیکرتی ۵ درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، تنظیم شده است (شیرزادی و همکاران، ۲۰۱۵). در پژوهش فدایی و همکاران (۲۰۱۰) نتایج آلفای کرونباخ حاکی از این بود که میزان اعتبار کل استرس والدین و هر یک از زیرمقیاس‌های آشفستگی والدین، تعامل ناکارآمد والد-کودک و ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین برای گروه هنجاری به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۰، ۰/۸۴ و ۰/۸۰ بود. ضریب اعتبار بازآزمایی در طول ۱۸ روز بعد از اجرای اول، برابر با ۰/۷۵ برای نمره کل استرس والدین، ۰/۸۲ برای زیرمقیاس آشفستگی والدین، ۰/۷۳ برای

<sup>۱</sup> - Baumrind Parenting Styles Questionnaire.

<sup>۲</sup> - Abidin.

<sup>۳</sup> - Behavnagri.

زیرمقیاس تعامل ناکارآمد والد - کودک و ۰/۷۱ برای زیرمقیاس ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین بود که این مقادیر همبستگی، بیانگر ثبات نمرات شاخص در طول زمان است.

#### یافته‌ها

۳۵۵ مادر به همراه کودکان‌شان (۱۴۹ دختر و ۲۰۶ پسر) در این پژوهش شرکت داشتند. سن کودکان بین ۲ تا ۶ سال و میانگین آن ۴/۲۰ با انحراف استاندارد ۱/۱۹ به دست آمد. میانگین سنی مادران ۳۰/۱۸ با انحراف معیار ۴/۴۲ بود و به صورت میانگین از زمان ازدواج آنها ۱۰/۲۶ سال گذشته بود. از نظر شغل، ۵۴ نفر از مادران (۱۵/۲ درصد) کارمند، ۲۵۳ نفر (۷۱/۳ درصد) دانشجو، ۴۸ نفر (۱۳/۵ درصد) خانه‌دار بودند. قبل از تحلیل داده‌های پژوهش مفروض‌های زیربنایی تحلیل مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی مفروضه نرمال بودن داده‌های توزیع، روش کلوموگروف-اسمیرنوف استفاده شد و نتایج نشان داد هیچ یک از متغیرهای پژوهش از مفروضه نرمال بودن تخطی ندارد. نتایج مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱- مشکلات برونی‌سازی‌شده								۱
۲- مشکلات درونی‌سازی‌شده							۰/۷۶**	۱
۳- والدگری سهل‌گیرانه						۰/۱۱*	۰/۰۶	۱
۴- والدگری مستبدانه					۰/۲۹**	۰/۳۰**	۰/۲۶**	۱
۵- والدگری مقتدرانه				۰/۳۸**	-۰/۰۳	-۰/۱۱*	-۰/۰۱	۱
۶- آشفتگی والدینی			۰/۲۱**	۰/۳۶**	۰/۲۱**	۰/۴۳**	۰/۴۴**	۱
۷- تعامل ناکارآمد		۰/۶۲**	-۰/۱۴**	۰/۳۱**	۰/۰۶	۰/۴۳**	۰/۴۷**	۱
۸- کودک مشکل‌آفرین	۰/۷۰**	۰/۵۹**	-۰/۰۱	۰/۲۴**	۰/۰۴	۰/۵۳**	۰/۶۴**	۱
M	۱۷/۸	۱۵/۲۶	۱۶/۴۷	۳۰/۵۷	۱۲/۶۷	۱۶/۹۲	۲۲/۱۴	۱۲/۸۴
SD	۸/۴۶	۶/۴۶	۷/۳۹	۳/۷۱	۵/۴۲	۴/۹۲	۱۲/۷۲	۸/۴۲

\*\*p < ۰/۰۱ \*p < ۰/۰۵

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که بیش‌ترین سطح بین شرکت‌کنندگان در ابعاد مشکلات رفتاری کودکان مربوط به مشکلات عاطفی - هیجانی واکنشی و در سبک‌های والدگری مربوط به والدگری مقتدرانه می‌باشد. بالاترین میانگین استرس والدگری نیز مربوط به خرده مقیاس ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین بود. طبق ماتریس همبستگی، هر سه مؤلفه استرس والدگری مادر (۰/۴۴، ۰/۴۷، ۰/۶۴) و سبک والدگری مستبدانه ۰/۲۶ با مشکلات رفتاری برونی‌سازی‌شده کودکان، ارتباط مثبت و معناداری دارد. همچنین ارتباط مثبت و معنادار سبک والدگری سهل‌گیرانه ۰/۱۱، والدگری مستبدانه ۰/۳۰ و مؤلفه‌های استرس والدگری مادر با مشکلات رفتاری درونی‌سازی‌شده کودک تأیید شد. رابطه سبک والدگری مقتدرانه با مشکلات رفتاری درونی‌سازی‌شده ۰/۱۱ - منفی و معنادار بود.

به منظور تعیین سهم هر یک از سبک‌های والدگری و ابعاد استرس والدگری مادران در پیش‌بینی مشکلات رفتاری برونی‌سازی‌شده کودکان از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جداول زیر ارائه شده است:

جدول ۲- نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام مربوط به مشکلات رفتاری برونی‌سازی‌شده از طریق خرده مقیاس‌های استرس والدگری و سبک‌های والدگری مادران

شاخص مدل	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R <sup>2</sup>	ضریب تبیین خطای برآورد
۱ رگرسیون باقیمانده	۱۰۳۵۵/۱۰۵	۱	۱۰۳۵۵/۱۰۵	۲۴۷/۴۹۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۴۲	۰/۴۱۲	۰/۴۱۰
۲ رگرسیون باقیمانده	۱۰۶۹۷/۳۲۷	۲	۵۳۴۸/۶۶۴	۱۳۰/۴۹۹	۰/۰۰۰۱	۰/۶۵۳	۰/۴۲۶	۰/۴۲۳

نتایج جدول ۲ نشان داد که مولفه ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین از ابعاد استرس والدگری، قوی‌ترین رابطه را با مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده دارد ( $F=247/495, df=1, P=0/0001, R=0/64$ ). این متغیر ۴۱ درصد از میزان مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله بعد با اضافه شدن سبک والدگری مستبدانه، ضریب همبستگی به ۰/۶۵ و ضریب تبیین به ۴۲ درصد ارتقا یافت. این بدان معنا است که مولفه ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین و سبک والدگری مستبدانه در مجموع ۴۲ درصد از واریانس مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده را تبیین می‌کند.

جدول ۳- شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده

شاخص متغیر	ضریب غیراستاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱/۴۵۴	۰/۸۰۱		۱/۸۱۴	۰/۰۷۰
کودک مشکل‌آفرین	۰/۲۸۷	۰/۰۴۱	۰/۶۴۲	۱۵/۷۳۲	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	-۰/۳۹۸	۱/۰۲۰		-۰/۳۹۰	۰/۶۹۶
کودک مشکل‌آفرین	۰/۲۲۱	۰/۰۴۱	۰/۶۱۳	۱۴/۷۱۵	۰/۰۰۰
والدگری مستبدانه	۰/۲۸۳	۰/۰۶۵	۰/۱۲۰	۲/۸۹۰	۰/۰۰۴

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین ( $B=0/613, P<0/0001$ ) و سبک والدگری مستبدانه مادر ( $B=0/120, P<0/004$ ) به صورت مثبت توانسته‌اند مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده را پیش‌بینی نمایند. بر اساس ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش در ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین میزان مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده ۰/۶۱۳ واحد، به ازای یک واحد افزایش در سبک والدگری مستبدانه میزان مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده ۰/۱۲۰ واحد افزایش یافت. بنابراین با توجه به این یافته‌ها از میان دو خرده‌مقیاس پیش‌بین معنادار، ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین با قدرت بیشتری می‌تواند مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده را پیش‌بینی کند. به منظور تعیین سهم هر یک از خرده‌مقیاس‌های استرس والدگری و سبک‌های والدگری مادران در پیش‌بینی مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده کودکان از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جداول زیر ارائه شده است:

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام مربوط به مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده از طریق خرده‌مقیاس‌های استرس والدگری و سبک‌های والدگری مادران

شاخص مدل	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R <sup>2</sup>	ضریب تبیین خطای برآورد
۱ رگرسیون باقیمانده	۱۶۲۳۸/۸۱۰	۱	۱۶۲۳۸/۸۱۰	۱۳۹/۴۷۲	۰/۰۰۰۱	۰/۵۳۲	۰/۲۸۳	۰/۲۸۱
۲ رگرسیون باقیمانده	۱۸۱۱۵/۴۰۷	۲	۹۰۵۷/۶۸۴	۸۱/۲۸۵	۰/۰۰۰۱	۰/۵۶۲	۰/۳۱۶	۰/۳۱۲
۳ رگرسیون باقیمانده	۱۸۷۲۳/۰۱۶	۳	۶۲۴۱/۰۰۵	۵۶/۷۲۷	۰/۰۰۰۱	۰/۵۷۱	۰/۳۲۷	۰/۳۲۱



نتایج جدول ۴ نشان داد که مولفه ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین از ابعاد استرس والدگری قوی‌ترین رابطه را با مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده دارد ( $F=139/472, df=1, P=0/0001, R=0/53$ ). این متغیر 28 درصد از میزان مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله بعد با اضافه شدن سبک والدگری مستبدانه، ضریب همبستگی به 0/56 و ضریب تبیین به 31 درصد ارتقا یافت. در گام سوم و با اضافه شدن آشفتگی والدینی نیز ضریب همبستگی 0/57 و ضریب تبیین 32 درصد شد. این بدان معناست که ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین، سبک والدگری مستبدانه و آشفتگی والدینی در مجموع 32 درصد از واریانس مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده را تبیین می‌کنند.

جدول 5: شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده

شاخص متغیر	ضریب غیراستاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	7/884	1/337		5/898	0/000
کودک مشکل‌آفرین	0/800	0/068	0/532	11/810	0/000
مقدار ثابت	3/547	1/681		2/110	0/036
کودک مشکل‌آفرین	0/832	0/068	0/487	10/712	0/000
والدگری مستبدانه	0/438	0/107	0/187	4/104	0/000
مقدار ثابت	2/634	1/715		1/535	0/126
کودک مشکل‌آفرین	0/623	0/082	0/414	7/568	0/000
والدگری مستبدانه	0/364	0/111	0/155	3/285	0/001
آشفتگی والدینی	0/231	0/098	0/134	2/350	0/019

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین ( $B=-0/414, P<0/000$ )، سبک والدگری مستبدانه ( $B=-0/155, P<0/001$ ) و آشفتگی والدینی ( $B=-0/134, P<0/01$ ) به صورت مثبت توانسته‌اند مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده را پیش‌بینی نمایند. بر اساس ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش در ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین میزان مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده 0/414 واحد، به ازای یک واحد افزایش در سبک والدگری مستبدانه، مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده 0/155 واحد و به ازای یک واحد افزایش در آشفتگی والدینی میزان مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده 0/134 واحد افزایش یافت. بنابراین با توجه به این یافته‌ها از میان سه متغیر پیش‌بین معنادار، ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین با قدرت بیشتری می‌تواند مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده را پیش‌بینی کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل پیش‌بینی کننده مشکلات رفتاری کودکان انجام شد. نتایج نشان داد که سبک‌های والدگری و استرس والدینی پیش‌بینی‌کننده بخشی از مشکلات رفتاری کودکان 2 تا 6 ساله شهر قم است. طبق نتایج بدست آمده ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین و سبک والدگری مستبدانه در مجموع 42 درصد از واریانس مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده را تبیین می‌کنند. همچنین ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین، سبک والدگری مستبدانه و آشفتگی والدینی در مجموع 32 درصد از واریانس مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده را تبیین می‌کنند. یافته‌های پژوهش با

نتایج تحقیقات رینالدی و هاو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲؛ هیرامورا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ دیاز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵؛ کانگر و همکاران<sup>۴</sup>، ۱۹۹۲؛ طهماسیان، ۱۹۹۶؛ فریک<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴؛ همتی و همکاران، ۲۰۱۴؛ رحمانی، و همکاران، ۲۰۰۶؛ بیر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱ و آنولا و نورمی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵ همسو و هماهنگ است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان به این نکته کلی اشاره کرد که سبک والدگری والدین، یکی از مهم‌ترین عوامل تحول و پایداری مشکلات رفتاری فرزندان محسوب می‌شود (دیاز، ۲۰۰۵) و با توجه به آنها می‌توان درصد قابل توجهی از مشکلات رفتاری فرزندان در سنین مختلف را پیش‌بینی کرد. رینالدی و هاو (۲۰۱۲) در این خصوص نشان دادند که سبک‌های والدگری والدین ۴۴ درصد از واریانس رفتارهای برونی‌سازی کودکان مثل نافرمانی‌های مقابله‌ای و پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کند.

در تبیین ارتباط سبک والدگری والدین با مشکلات رفتاری برونی‌سازی می‌توان گفت والدین کودکان مبتلا به این دسته از مشکلات، مهارت‌های والدگری ضعیفی دارند، رفتارهای آمرانه بیشتری دارند، بیشتر با فرزند خود مخالفت می‌کنند، پاداش‌های کمتری به رفتارهای مطیعانه کودک می‌دهند و پاداش‌های آنها، بیشتر جنبه اتفاقی دارد (برادلی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۲). همان‌گونه که پترسون<sup>۹</sup> (۱۹۹۲) نیز معتقد است؛ اختلالات برونی‌سازی، نتیجه شکست در اعمال قوانین والدینی هستند که معمولاً دارای سه ویژگی قوانین بی‌ثبات، نظارت کم و ضعف مهارت‌های حل مسأله است. بنابراین، فقدان مشارکت والدین، مدیریت و نظارت ضعیف و انضباط خشن و بی‌ثبات، پیش‌بینی‌کننده‌های قوی رفتارهای برونی‌سازی و ضد اجتماعی در کودکان و نوجوانان هستند. در پژوهش کانگر و همکاران (۲۰۰۳)، نیز مشخص شد که بین والدگری سخت و انضباط خشن، مانند تنبیه بدنی، با مشکلات پرخاشگری و رفتارهای برونی‌سازی شده فرزندان رابطه وجود دارد.

در تبیین ارتباط سبک والدگری با مشکلات رفتاری درونی‌سازی کودکان نیز می‌توان چنین گفت زمانی که والدین در رابطه با کودکان خویش و مدیریت آنها، از سبک مستبدانه و تنبیه جسمانی استفاده می‌کنند، این قبیل برخوردها باعث می‌شود چنین کودکانی احساس دوست داشتنی نبودن پیدا کنند و در نتیجه به گوشه‌گیری، انزوا و افسردگی (و به عبارت دقیق به مشکلات درونی‌سازی شده) روی آورند. یافته‌های پژوهش دارلینگ (۱۹۹۹) همین مطلب را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد میزان افسردگی در میان کودکانی که سبک فرزندپروری والدین آنها مستبدانه بوده، در مقایسه با گروه سهل‌گیر، بیشتر است. موسوی آزاد و همکاران (۲۰۱۴) نیز نشان دادند، سبک مقتدرانه والدین، پیش‌بینی‌کننده منفی معنادار برای تمام نشانه‌های درونی‌سازی شده کودکان است. به طور کلی در سبک‌های والدگری مقتدرانه هر سه مؤلفه رابطه، مراقبت و ساختار به میزان مناسب مشاهده می‌شود. والدین دارای سبک والدگری مقتدرانه با درخواست‌های معقول برای کودک محدودیت ایجاد می‌کنند و بر رفتار وی کنترل و نظارت دارند. درعین حال در رابطه‌ی خویش صمیمیت و محبت نشان می‌دهند. همچنین از رفتارهای محبت‌آمیز مانند در آغوش گرفتن یا بوسیدن

<sup>1</sup> - Rinaldi.

<sup>2</sup> - Hiramura.

<sup>3</sup> - Diaz.

<sup>4</sup> - Conger.

<sup>5</sup> - Frick.

<sup>6</sup> - Buri.

<sup>7</sup> - Aunola.

<sup>8</sup> - Bradley.

<sup>9</sup> - Patterson.

کودک بیشتر استفاده می‌کنند. این والدین خود را در قبال کودک مسئول می‌دانند. از آن جا که این والدین کودکان خود را تشویق کرده و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده را ترغیب می‌نمایند، کودکان آن‌ها از اعتماد به نفس و خودگردانی بالاتری برخوردارند. بر اساس آنچه محققانی چون پیاز، اریکسون، و دیگران درباره‌ی شرایط تحول شناختی، اجتماعی و هیجانی کودکان یافته‌اند به نظر می‌رسد زمانی که سبک والدگری والدین از لحاظ مؤلفه‌هایی چون مراقبت، رابطه و ساختار نامناسب است، بستر تحول نامناسب فراهم شده و در نتیجه موجب رفتارهایی می‌شود که به عنوان رفتارهای منفی برچسب می‌خورند. زمانی که این مؤلفه‌ها افزایش می‌یابد رفتارهای مثبت نیز افزایش می‌یابد که این شرایط عموماً با سبک والدگری مقتدرانه رابطه دارد (دیاز، ۲۰۰۵). از سوی دیگر و در مقابل کاهش این مؤلفه‌ها که معمولاً با سبک والدگری سهل‌گیرانه و مستبدانه همراه است با کاهش رفتارهای مثبت مورد انتظار رابطه دارد. در سبک سهل‌گیرانه، کمترین میزان ساختار موجود است. سبک والدگری سهل‌گیرانه با فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود؛ بنابراین اکثر این کودکان بی‌کفایت‌اند. والدین سهل‌گیر مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس پایینی دارند (ریتمن و همکاران، ۲۰۰۲) و اغلب خودخواه، وابسته و ضد اجتماعی به نظر می‌رسند (دوایری و کاریمان، ۲۰۰۶). بنابراین انتظار می‌رود این سبک والدگری نیز با پیامدهای منفی و مشکلات برونی‌سازی شده از جمله اختلال لجبازی، نافرمانی و اختلال رفتاری و عملکردی در کودک رابطه داشته باشد (آنولا و نورمی، ۲۰۰۵).

همان‌گونه که پژوهش‌ها نشان می‌دهند والدین در سبک والدگری مستبدانه، بیشتر از رویکرد تنبیهی شامل تهدید، انتقاد و دیکته کردن قوانین به صورت اجباری استفاده می‌کنند (استینبرگ و همکاران، ۲۰۰۱) و خودپیروی کودکانشان را محدود می‌کنند و خودشان تصمیم می‌گیرند که چه رفتارهایی برای فرزندشان مناسب است (ریتمن و همکاران، ۲۰۰۲). این والدین به خاطر داشتن سبک والدگری مستبدانه خود با پیامدهای رفتاری منفی فرزندان همچون پرخاشگری (وبستر ۲۰۰۵) اختلال‌های برونی‌سازی شده و درونی‌سازی شده و کارکرد هیجانی پایین‌تر در ارتباط هستند (روبین<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۴). کودکان این والدین به مشارکت و همکاری تمایلی ندارند و از عزت نفس پایین، افسردگی و مشکلات در تصمیم‌گیری در سنین بزرگسالی رنج می‌برند (دوایری و کاریمان ۲۰۰۶). در این رابطه مطالعاتی که در زمینه کودکان پیش‌دبستانی انجام شده است، نشان می‌دهند در خانواده‌هایی که کودکان دچار مشکلات رفتاری هستند، عقاید تربیتی استبدادی (هلر<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۶) منفی‌گرایی مادرانه بیش از حد و سردی در روابط والد - کودک (کمبل<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴) دیده می‌شود و شیوه‌های انضباطی سخت‌گیرانه مادران منجر به افزایش هیجان‌های منفی و اجتماعی بودن پایین کودکان می‌شود (کتانین<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۷). نتایج تحقیق صادق‌خانی و همکاران (۲۰۱۴) نیز حاکی از این است که بین شیوه‌های والدگری مادران گروه‌های پژوهش در الگوهای تربیتی مقتدرانه، مستبدانه و

<sup>۱</sup> - Roben.

<sup>۲</sup> - Heller.

<sup>۳</sup> - Campbell.

<sup>۴</sup> - Katanin.

سهل گیرانه، تفاوت معنی داری وجود دارد و مادران کودکان با اختلال لجبازی - نافرمانی نسبت به مادران کودکان عادی بیشتر از شیوهی والدگری مستبدانه و سهل گیرانه و کمتر از شیوهی والدگری مقتدرانه استفاده می کنند.

در تبیین رابطه استرس والدگری و مشکلات رفتاری کودکان به این نکته می بایست توجه داشت که پژوهش ها نشان داده اند که والدگری برای هر دو والد با حدی از تنیدگی همراه است (کریزی و جارویس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳ به نقل از دادستان و همکاران، ۲۰۰۶) و حالات خلقی مثل افسردگی و اضطراب و حتی سبک های مقابله والدین نقش اساسی در میزان ادراک استرس زا بودن نقش والدگری دارد (ایزر<sup>۲</sup> ۱۹۹۵؛ بگرس<sup>۳</sup> ۱۹۹۶؛ هواک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲؛ سولدی<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹؛ ویلنر<sup>۶</sup> ۲۰۰۱ و جاویس<sup>۷</sup>، ۱۹۹۱)، اما طبیعی است که به دلیل درگیر شدن بیشتر مادران در امر مراقبت از کودک (کوزینسکی و کچانسکا<sup>۸</sup>، ۱۹۹۰)، سطوح بالاتری از تنیدگی در مادران گزارش شده است. لذا استرس، از یک سو می تواند برداشت والدین از رفتار کودک، احساس شایستگی های آن ها در ارتباط با والدگری و بزرگ کردن فرزندان، احتمال ایرادگیرتر شدن، تنبیه کننده تر و تحریک پذیرتر شدن والدین را افزایش دهد و این امر به نوبه خود احتمال بروز انواع مشکلات رفتاری در کودکان را بالا می برد. از سوی دیگر، افزایش استرس والدگری با فقدان رفتارهای مثبت والدگری مرتبط است. والدینی که استرس دارند و در نتیجه آن رابطه مثبت مناسبی با فرزندان خود ندارند، جهت مدیریت رفتاری فرزندان، بیشتر از برخوردهای انضباطی سخت و تنبیه جسمانی استفاده می کنند که نتیجه آن، افزایش میزان مشکلات رفتاری در فرزندان خواهد شد. استرس والدگری در ترکیب با عوامل دیگری مثل حمایت اجتماعی اندک و ابراز خشم می تواند به مشکلات جدی تری همانند کودک آزاری در والدگری منجر شود. از طرفی، کودک آزاری در ناسازگاری اجتماعی کودکان، طرد شدن از طرف هم سن و سالان، افزایش پرخاشگری و کاهش کفایت اجتماعی نقش مهمی دارد. بنابراین، بررسی و کنترل استرس مادران به واسطه کاهش عواقب منفی استرس والدگری حائز اهمیت است.

با توجه به نتایج بدست آمده و به جهت کاهش مشکلات رفتاری کودکان، آموزش و اصلاح سبک های والدگری از مستبدانه و سهل گیرانه به مقتدرانه و کاهش آشفتگی والدین و استرس والدگری، از جمله راهکارهای موثر در این رابطه می باشد. با توجه به این که مشکلات رفتاری در دوران کودکی تأثیرات منفی بر رفتار اجتماعی و تحصیلی کودک و نوجوان می گذارد؛ لذا مداخلات اولیه جهت پیشگیری از توسعه این مشکلات بسیار با اهمیت تر از درمان آن می باشد (راجرز<sup>۹</sup>، ۱۹۹۱) تشخیص به موقع این اختلالات جهت آموزش به والدین و همچنین آموزش به کودکان جهت برقراری ارتباط صحیح با کودکان دیگر و همچنین آموزش مسئولین و مربیان مهدهای کودک و پیش دبستانی ها جهت ارجاع به موقع این کودکان به خدمات مشاوره ای از جمله موارد حائز اهمیت می باشد.

## منابع

- Abidin RR, Burnner JF. Development of a parenting alliance inventory. *Journal of Clinical Child Psychology*.1995; 24, 31-40
- Abidin RR, Jenkins CL, McGaughey MC. The relationship of early family variables to children's subsequent behavioral adjustment. *Journal of Clinical Child Psychology*.1992; 21(1), 60-9.

<sup>1</sup> - Creasey.

<sup>2</sup> - Ethier.

<sup>3</sup> - Bigras.

<sup>4</sup> - Houck.

<sup>5</sup> - Soliday.

<sup>6</sup> - Willner.

<sup>7</sup> - Jarvis.

<sup>8</sup> - Kuczynski.

<sup>9</sup> - Rodgers.

- Achenbach TM. The classification of children's psychiatric symptoms: A factor-analytic study. *Psychol Monogr Gen Appl.* 1996; 80(7),1-37.
- Alizadeh H, Andries C. Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child and Family Behavior Therapy.* 2002; 24, 37-52. (Persian)
- AmiriNejad A, QorishiRad F, Javanmard GH. Comparison of Parenting Styles and Mental Health of Parents Suicidal Persons with Parents of Normal persons. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy.* 2011; 1(3),315 – 330.(persian)
- Aunola K, Nurmi J. The role of parenting style in children problemBehavior. *Journal of Child Development.*2005; 76(6), 1144-1159.
- MoosaviAzad MMB, Jalali MR. Intergenerational Transmission of Family Factors: Parenting Styles, Attachment Styles & Family Climate. *Journal of Family Research.*2014; 10(37), 79-97. (persian)
- Baumrind D. The influence of parenting style on adolescent competence and substance abuse. *Journal of Early Adolescence.*1991; 11, 56-95.
- Bhavnagri NP. Low income African American mothers parenting stress and instructional strategies to promote peer relationships in preschool children. *Early Education & Development.*1999; 10, 551-571.
- Bugental DB, Grusec J E. Socialization processes. In W Damon RM. Lerner (Eds In chief) & N Eisenberg, (Vol. Ed.), *Handbook of child psychology: 3, Social, Emotional and Personality Development* (6th ed.,366-428).2006 New York: John Wiley and Sons.
- Buri J. Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment.*1991; 57, 110-119.
- Campbell S. Hard to manage pre-school boys: Externalizing, social competence, and family context at two-year follow-up. *Journal of Abnormal Child Psychology.*1994; 22, 147-166.
- Conger RD, Conger KJ, Elder GH, Lorenz FO, Simons RL, Whitbeckn LB. A family process model of economic hardship and adjustment of early adolescent boys. *Child Development.*1992; 6, 526-541.
- Dadsetan P. Stress, or Stress: A new disease of civilization.Tehran: Publisher,Growth. 1998.(persian).
- Dadsetan P, AhmadiAzghandi A, Pouretamad. Parenting stress and general health: a research on the relation between parenting stress and general health among housewife-mothers and nurse-mothers with young children. *Developmental Psychology.*2006;2(7),171-184.(persian).
- Dadsetan P, Asgari A, Rahimzade S, Bayat M. Kindergarten Inventory of Social/Emotional Tendencies: A Cross-validation Study. *Journal of Development Psychology Of Iranian Psychologists.*2010; 7 (25), 7-26.(persian)
- DeHart T, Pelham BW, Tennen H. What lies beneath: parenting style and implicit self-esteem. *Journal of Experimental Social Psychology.*2006; 42, 1-17.
- Diaz Y. Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children.*Unpublished MasterThesis*, University of Maryland: Maryland.2005
- Dwairy M, Menshar KE. Parenting style, individuation, and mental health of Egyptian adolescents. *Journal of Adolescence.*2006; 29, 103-117.
- Essex MJ, Klein MH, Cho E, Kalin NH. Maternal stress beginning in infancy may sensitize children to later stress exposure: Effects on cortisol and behavior. *Biological Psychiatry.*2002; 52, 776-784.
- Fadaei Z, Dehghani M, Tahmasian K, Farhadei M. Investigating reliability, validity and factor structure of parenting stress- short form in mother's of 7-12 year-old children. *Journal of Research in Behavioral Sciences.*2010; 8 (2), 81-99.(persian)
- Frick PJ. Family dysfunction and the disruptive behavior disorders: A review of empirical findings. In T. H. Ollendick and RJ Prinz (Eds) *Advances in ClinicalChild Psychology.*1994;(PP.203-226). New York, NY: Plenum Press.
- Gimpel GA, Holland M L. *Emotional and behavioral problems of young children: Effective interventions in the preschool and kindergarten years.*2002; New York Guilford press.
- Haapasalo J, Tremblay RE. physically aggressive boys from ages 6 to 12: Family background, parenting behavior, and prediction of delinquency. *Journal of Consulting and Clinical Psychology.*1994; 62, 1044-1052.

- Hasting RP, Kovshoff H, Ward NJ, Espinosa F, Brown T. System analysis of stress and positive perceptions in mothers and fathers of pre-school children with autism. *Journal of Autism and Developmental Disorders*. 2005; 35(5), 635- 644.
- Heller TL, Baker BL, Henker B, Hinshaw P. Externalizing behavior and cognitive functioning from pre-school to first grade: Stability and predictors. *Journal of Clinical Child Psychology*. 1996; 25, 376-387.
- HematiAlmdarlo GH, HusseinKhanzadeh AA, Arjmandi MS, Timurid MM, Taher M. The maternal parenting style to predict behavioral problems in preschool children with intellectual disability. *Journal of Special Education*.2014;14(12),7-16. (Persian)
- Hiramura H, Uji M, Shikai N, Chen Z, Matsuoka N, Kitamura T. Understanding externalizing behavior from children's personality and parenting characteristics. *Psychiatry Research*. 2010; 175(1-2), 142-147.
- Karzadeh Sh, Abdi M, Heidari H. Studying Family Functioning and the Role of Maternal Parenting Styles in Predicting Children's Behavioral Problems in Boys Aged 5 to 10 Years in Ahvaz City. *Journal of Thought & Behavior in Clinical Psychology*.2015; 9 (36),17-26.(persian)
- Katanin S. Childhood temperament and mother's child rearing attitude. *European Journal of personality*.1997; 11, 249-265.
- Kazdin AE, Mazurick JL, Bass D. Risk for attrition in treatment of antisocial children and families. *Journal of Clinical Child Psychology and Psychiatry & Allied Disciplines*1993; 22(1), 2-16.
- Kazdin AE. Premature termination from treatment among children referred for antisocial behavior. *J Child Psychol Psychiatry*.1990; 31(3), 415-25.
- Khorrab Abadi R, Pouretamad HR, Tahmasian K, Chimeh N. A Comparative Study of Parental Stress in Mothers of Autistic and Non Autistic Children. *Journal of Family Research*.2009; 5(3), 387-399.(persian)
- Kuczynski L, Kochanska G. Maternal granting: Predictors of normal and depressed mothers compliance and non-compliance with requests of five year olds. *Journal of Child Development*.1990; 62, 1449-1459.
- Mohammad-Esmail E. *Guide form for measure system of preschool age's children 1-5 years experience in Tehran*. Tehran: Exceptional Child Research Institute.2009
- Pourhossein R, Habibi M, Ashoori A, Ghanbari N, Riahi Y. Prevalence of behavioral disorders among preschool children. *Journal of Fundamentals of Mental Health*.2015; 17(5),234-239.(persian).
- Reitman D, Currier RO, Stickle TR. A critical evaluation of the Parenting Stress Index-Short Form (PSI-SF) in a head start population. *J Clin Child Adolesc Psychol*.2002; 31(3), 384-92.
- Rinaldi CM, Howe N. Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Childhood Research Quarterly*. 2012; 27 (2), 266-273.
- SadeghKhani A, AliAkbari Dehkordi M, Kakujouibari A. Maternal parenting practices on male students aged 7 to 9 years of primary school with oppositional defiant disorder and normal in the city of Ilam. *Journal of exceptional*. 2014; 3(6), 95-109. (Persian)
- Sameroff A. Parental discipline and externalizing behavior problems in early childhood: The roles of moral regulation and child gender. *Journal of Abnormal Child Psychology*.2004; 32, 369-383.
- Sepa A, Frodi A, Ludvigsson J. Could parental stress and lack of support/confidence function as mediating mechanisms between certain environmental factors and the development of autoimmunity in children? A study within ABIS. *Annals of the New York Academy of Science*.2002; 958, 431-435.
- Shirzadi P, Framarzi S, Ghasemi M, Shafiee M. Investigating Validity And Reliability Of Parenting Stress Index – Short Form. *Journal Of Rooyesh-e- Ravanshenasi*.2015;3(4), 91-110.(persian)
- Steinberg L, Lamborn SD, Darling N, Mounts NS, Dornbusch SM. Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritative, indulgent, and neglectful families. *Child Development*.1994; 65, 754–770.
- Tahmasian K, Anari A, Fathabadi M. Evaluation of Effective Maternal Characteristics in Behavioral Problems of 2-6 Years Old Children. *Journal of Modern Psychological Reserch*.2012;7(26),89-104. (persian)
- Webster-Stratton C. *Aggression in young children: Services proven to be effective in reducing aggression*. Reved Tremblay RE, Barr RG, Peters RDeV, eds Encyclopedia on Early Childhood Development. 2005.

Webster-Stratton C. Stress: A potential disruptor of parent perceptions and family interactions. *Journal of Clinical Child Psychology*.1990; 19(4), 302-12.

